



## تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

| مقرر    | حجت الاسلام قادر بریسم                                                                                            | جلسه | ۴۵ | تاریخ | ۱۴۰۳ / ۱۰ / ۱۷ |
|---------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|----|-------|----------------|
| عنوان ۱ | تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم                                                                                  |      |    |       |                |
| عنوان ۲ | تفسیر سوره «حمد»                                                                                                  |      |    |       |                |
| عنوان ۳ | اقسام و ویژگی های رحمت الهی در قرآن کریم<br>❖ قسم اول: رحمت ابتدایی<br>❖ قسم دوم: رحمت غایی                       |      |    |       |                |
| عنوان ۴ | مقدمات دستیابی به رحمت غایی<br>➤ ۱. احساس نیاز<br>➤ ۲. انتخاب موجود دریافت کننده رحمت رحمانی<br>➤ ۳. تلاش بی وقفه |      |    |       |                |

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

### اقسام رحمت الهی و مقدمات دستیابی به رحمت غایی

#### قسم اول: رحمت ابتدایی

در جلسات پیشین، به اقسام رحمت اشاره شد و بیان گردید که قسم اول یا نوع نخست رحمت، بنابر آنچه در آیات کریمه قرآن و روایات معصومین علیهم السلام مشهود است، همان «رحمت ابتدایی» است که بدون نیاز به طلب و استحقاق، و از سر لطف آغازین، شامل حال همگان می گردد و فراگیر است. ویژگی ها و دسته های این رحمت نیز تشریح شد و گفتیم که خود این رحمت فراگیر ابتدایی، سه قسم دارد:

- رحمت جود (فیض عام): در این قسم، نعمت وجود و هستی به همه مخلوقات اعطا می شود.
- رحمت هدایت: پس از نعمت هستی، نعمت هدایت و حرکت به سوی کمال، به همگان ارزانی می گردد؛ چنان که فرمود: «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»<sup>۱</sup>. این هدایت تکوینی نیز ادامه همان رحمت ابتدایی است.
- رحمت تیسیر (تخفیف): بدین معنا که این حرکت به سوی کمال و هدایت، همراه با آسانی و تخفیف است. خداوند این حرکت به سوی کمال را آسان می سازد؛ چنان که خود می فرماید: «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ

حَرْجٌ<sup>۱</sup> و «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ»<sup>۲</sup> و «ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ»<sup>۳</sup>. بنابراین، این حرکت به سوی کمال و هدایت، همراه با تخفیف و تیسیر است، نه آنکه هدایت شخص، دشوار و با حرج باشد.

## قسم دوم: رحمت غایی

قسم دوم رحمت، به تعبیر ما، «رحمت غایی» است. نکته این تعبیر آن است که این رحمت، غایت حرکت موجودات، به ویژه موجودات صاحب اختیار و اراده، به شمار می‌رود. در این حرکت بازگشتی به سوی خدای متعال، غایتی، بلکه مراتبی از غایت، وجود دارد که خدای متعال با عنایت و ویژه‌ای که به مؤمنین دارد، آنها را در این مراتب کمال غایی وارد می‌سازد. از این رو، تفاوت این رحمت با رحمت قسم اول آن است که رحمتی نیست که بدون مقدمه بر بشر نازل شود؛ بلکه متوقف بر سه چیز و دارای سه مقدمه است:

## مقدمات دستیابی به رحمت غایی

### ۱. احساس نیاز

از این احساس، گاه با تعبیر «عشق» یا «محبت» یاد می‌شود. خداوند فرموده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا، [از مشرکان نسبت به معبودهاشان] شدیدتر است<sup>۴</sup>. این «أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»، همان احساس نیاز به وصال و قرب الهی است و هرچه این احساس پرشورتر باشد، آتش عشق نیز برافروخته‌تر می‌گردد. از این رو، نخستین مقدمه دستیابی به رحمت غایی، همین احساس نیاز است که می‌توان آن را «عشق» نامید.

### ۲. انتخاب موجود دریافت‌کننده رحمت رحمانی

پس از احساس عشق و نیاز، نوبت به تصمیم برای حرکت به سوی معشوق می‌رسد که از آن به «انتخاب موجود دریافت‌کننده رحمت رحمانی» تعبیر می‌کنیم. آن موجودی که رحمت رحمانی را دریافت کرده، هستی یافته و راه کمال برایش گشوده شده و این راه کمال نیز همراه با تیسیر و تخفیف است؛ لذا باید تصمیم بگیرد که به سوی آن معشوق حرکت کند. این همان چیزی است که از آن به «سیر و سلوک» نیز تعبیر می‌شود. به هر تعبیری که باشد، آنجا که در آیه کریمه می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَعْظِيكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مثنًی وَفُرَادًی...» بگو: «شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید»<sup>۵</sup> اشاره به همین حرکت برای دستیابی به این رحمت غایی دارد که گزینش همراه با عمل است.

### ۳. تلاش بی‌وقفه

پس از آنکه تصمیم به حرکت گرفته شد، باید تلاش بی‌وقفه به سوی مطلوب غایی صورت گیرد. در یکی از مناجات‌های خمس عشر حضرت سید الساجدین علیه السلام با این تعبیر بلند روبه‌رو می‌شویم:

۱. سوره حج: ۷۸.

۲. سوره بقره: ۱۸۵.

۳. همان: ۱۷۸.

۴. همان: ۱۶۵.

۵. سوره سبأ: ۴۶.

«فَأَنْتَ لَا غَيْرُكَ مُرَادِي، وَلَكَ لَا لِسَوَاكَ سَهْرِي وَسَهَادِي»<sup>۱</sup>؛

یعنی «شب زنده داری و بی تابی شبم (شهاد) برای توست نه برای دیگری»؛ چراکه اهل خدا و معرفت در پی این عشق سوزان، شب‌هایی بی تاب دارند.

بنابراین، سلوک الی الله سه مقدمه دارد و اگر کسی می‌خواهد سالک الی الله باشد و در طریق معرفت حقیقی خدای متعال گام بردارد، به این سه چیز نیاز دارد: اولاً، شوق و عشقی سوزان که او را به حرکت درآورد؛ سپس، تصمیم، انتخاب و عزم. خداوند می‌فرماید:

«فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَأُولُوا الْعِزْمِ مِنَ الرُّسُلِ»<sup>۲</sup>؛

پس صبر کن آن گونه که پیامبران «اولو العزم» صبر کردند.

و در دعای کمیل آمده است:

«قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي، وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ، وَالذَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ».

آنچه عرضه می‌داریم، برگرفته از فرمایشات ائمه اطهار علیهم السلام است. ایشان می‌فرمایند: وقتی عزیمت حاصل شد، نیاز به «جِدَّ فی خشیه الله» نیز دارد.

«حَتَّى أَصْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ، وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْمُبَادِرِينَ، وَأَشْتَاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُسْتَأْفِينَ، وَأَذْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافَكَ مَخَافَةَ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ».

در آیات کریمه زیر نیز فرموده است:

«...وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا \* حَتَّى يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامًا \* وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا»<sup>۳</sup>.

پس یکی از خصوصیات رحمت غایی این است که نیازمند طلب، کوشش و حرکت است. از احساس نیاز آغاز می‌شود و به عزم و سپس حرکت به سوی مقصود ادامه می‌یابد. مثلاً در آیه کریمه می‌فرماید:

«...وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ \* الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ \* أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ \* وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ»<sup>۴</sup>؛

و بشارت ده به استقامت‌کنندگان! \* آنها که هر گاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: «ما از آن خدائیم؛ و به سوی او باز می‌گردیم!» \* اینها، همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده؛ و آنها هستند هدایت‌یافتگان!

۱. زاد المعاد؛ مناجات المریدین.

۲. سوره احقاف: ۳۵.

۳. سوره احزاب: ۴۳ و ۴۴.

۴. سوره بقره: ۱۵۵ - ۱۵۷.

این همان رحمت رحیمی است و البته گفتیم رحمت نوع دوم (رحمت غایی) تحت اقسام رحمت رحیمی قرار می گیرد؛ زیرا برخلاف رحمت ابتدایی، رحمتی فراگیر و همیشگی نیست؛ بلکه محتاج به حرکت، طلب، عزم، انتخاب، تلاش و کوشش است.

**پرسشگر:** غایت چیست؟

**معظم له:** غایت، خود آفرینش بشر است. غایت به معنای «غایة الکمال مطلوب» است که این نیز نامحدود است. خواهیم گفت که این غایت، محدود نیست و چنین نیست که در جایی متوقف شود؛ زیرا غایت، خود ذات اقدس حق تعالی است. در جمله رسای سید الساجدین علیه السلام آمده است: «فَأَنْتَ لَا غَيْرَكَ مُرَادِي، وَلَكَ لَا لِسَوَاكَ سَهْرِي وَصُهَادِي»؛ تو مراد و مطلوب منی. یا در دعای کمیل می خوانیم: «حَتَّى أَصْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّائِقِينَ، وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْمُبَادِرِينَ، وَأَشْتَأَقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُسْتَأَقِينَ، وَأَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُحْلَصِينَ». غایت این حرکت، خدای متعال است؛ لذا هریک از اسمای الهی که برای انسان سالک متجلی می شود، او را به اسم دیگر و سپس به اسم یا تجلی دیگری می رساند. تجلیات، پشت سر هم تازه می شوند و وقفه ندارند. اشاره کردیم که آیه کریمه: «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ \* عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ \* نَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ \* يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ \* خِتَامُهُ مِسْكَ \* فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ»<sup>۱</sup> که آیه ای بسیار شگفت است، نعیم را تفسیر می کند و به نعیم حور و قصور اشاره ای نشده است، اما کدام نعیم؟ «عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ» وجه الله. «نَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ»؛ و نعیم، همان نعیم «یَنْظُرُونَ» است. وقتی «نَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ»، یعنی وقتی به آنها نگاه کنیم، می بینیم که پیوسته دارند تازه می شوند. این فرخندگی، نشاط و خرمی، حال به حال دارد. «نَضْرَةَ» یعنی طراوت و خرمی مستمر. «يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ». شاید روایتی که درباره سید الشهداء علیه السلام وارد شده و دشمن نقل می کند که: «کما اشتد عليه الأمر»، هرچه شرایط بر حضرت سخت تر می شد، می دیدند که چهره شان برافروخته تر، شاداب تر و خرم تر می شد.

**پرسشگر:** ...

**معظم له:** این بحث دیگری است که به آن خواهیم پرداخت. از مجموع آیات کریمه قرآن، چنین استفاده می شود که همه این جهانی که اکنون می بینیم و این آسمان ها و زمین که ما در آن زندگی می کنیم، همه برای انسان آفریده شده است. آیه: «وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان؛ و بهشتی که وسعت آن، آسمانها و زمین است؛ و برای پرهیزگاران آماده شده است»<sup>۲</sup> نشان می دهد همه برای او آفریده شده و باید بهشتی شود که برای انسان آماده گردیده. پس معلوم می شود که همه آفرینش آسمان و زمین برای اوست. این آسمان و زمین و این کهکشانشان را در آفرینشی نوین، قرار می گیرند؛ زیرا می فرماید:

«يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدْنَا عَلَيْهَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ»<sup>۳</sup>؛

در آن روز که آسمان را چون طوماری در هم می پیچیم، [سپس] همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را بازمی گردانیم؛ این وعده ای است بر ما، و قطعاً آن را انجام خواهیم داد.

۱. سورة مطففين: ۲۲ - ۲۶.

۲. سورة آل عمران: ۱۳۳.

۳. سورة انبياء: ۱۰۴.

ما اصلاً این بساط را برمی چینیم و دوباره از نو پهن می کنیم و بهشت برینی که انسان در آن سکنی خواهد گزید، از همین آسمان ها و زمین فعلی تشکیل شده؛ منتها در آفرینشی نو. این آیه نشان می دهد که «جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»، همین است؛ اما اَرْض، سرزمینی نوین است: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ...»<sup>۱</sup>. اَرْض و سماوات عوض می شوند و سرزمینی جدید به وجود می آید که برخی از مفسران نیز درباره آیات آخر سورة «زمر» که می فرماید: «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ»<sup>۲</sup>، فرموده اند، سرزمینی غیر از سرزمینی است که اکنون در آن زندگی می کنیم. سرزمینی نوین است که پس از آفرینش نوین جهان، پدید می آید. همه این جهان برای این انسان آفریده و برایش غایتی معین شده که همان سیر الی الله سبحانه و تعالی است. این غایت، پایان و وقفه ندارد که نهایت سکونی شود؛ بلکه به هر کمالی دست یابد، ادامه می یابد. لذا در آیه کریمه ای که بسیار شگفت است، می فرماید: «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا»؛ اما با این وجود «وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ»<sup>۳</sup>. یعنی چیزهایی است که حتی به گمان بشر نمی گنجد و انسان مؤمن نمی تواند تصور کند. خدای متعال، غایاتی برای او فراهم می کند که فرح، سرور و لذت هایی است که حتی به تصور او نمی گنجد و نمی تواند آنها را طلب کند. هرچه می خواهند، به آنها می دهند؛ اما «وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ».

شاید به مناسبت، بیان خواهیم کرد که رحمت خدا، فضل رحمت را در پی دارد و فضل رحمت نیز خود، فضل رحمت دیگری را به همراه می آورد؛ یعنی وقتی خدا رحمت رحیمی را نصیب کسی می کند و او را وارد این رحمت می سازد؛ چنان که فرمود: «فَسَيَدْخُلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ»<sup>۴</sup> و بدین ترتیب به غایت و درجه ای والا از این رحمت دست می یابد، فضل رحمت نیز به دنبالش می آید. در آیه کریمه می فرماید:

«الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» \* فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ  
مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ وَأَتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ»<sup>۵</sup>؛

اینها کسانی بودند که [بعضی از] مردم، به آنان گفتند: «مردم (لشکر دشمن) برای [حمله به] شما اجتماع کرده اند؛ از آنها بترسید!» اما این سخن، بر ایمانشان افزود؛ و گفتند: «خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست» \* به همین جهت، آنها [از این میدان] با نعمت و فضل پروردگارشان، بازگشتند؛ درحالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید؛ و از رضای خدا، پیروی کردند؛ و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است.

و این فضل هم شامل فضل نعمت است و هم فضل رحمت؛ که به نظر می رسد فضل رحمت، مربوط به عالم اخروی است و فضل نعمت، به عالم دنیوی.

۱. سورة ابراهيم: ۴۸.

۲. سورة زمر: ۷۴.

۳. سورة ق: ۳۵.

۴. سورة نساء: ۱۷۵.

۵. سورة آل عمران: ۱۷۳ و ۱۷۴.

پرسشگر: ...

**معظم له:** هر خیری که بدون عوض به انسان داده می شود، نعمت است، که خدا آن را ارزانی داشته و در قبال آن، عوضی از او نگرفته اند. نعمت گوش، نعمت علم، نعمت سلامت و مانند آن را مجانی به انسان داده اند. هر کمالی که از سوی خدای متعال به انسان داده می شود، به اعتبار کمال بودن، نعمت محسوب می شود.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين